

مر تفضی مدرسی چهاردهی

ورقی از تاریخ تصوف و عرفان

سلسله ذهبیه و صفویه

(۴)

غیر از حدیث عشق ندارم حکایتی
 زیبا حکایتی و عجایب روایتی
 هفتاد فرقه در ره عشقند رهسپار
 جز عاشقان ز عشق ندیده هدایتی
 (رازشیرازی)

مجددالاشراف گوید :

گویند در محله ما بقعه و بارگاهی بود بنام (مزار ابونعیم) از مشایخ صوفیان،
 بر سقف آن چراغی افروخته بودند که همیشه روشن بود و در کتیبه آن نوشته بودند :
 چراغی را که ایزد بر فروزد
 هر آنکس بف کند ریشش بسوزد
 شاه اسمعیل صفوی چون آن جا را بدید بدانست که نیرنگی بکار برده اند !
 مأموری فرستاد و چراغ را پف کرد و چراغ خاموش شد و ریشش نسوخت !
 آنگاه فرمان داد که بتکه را خراب کردند ، آشکار شد که راهی از طاق مقبره بخانه
 متولی آن ساخته بودند و قتیله و روغن بچراغ میرسانید .

حافظ گوید :

صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد

بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد

بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه
 زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد
 ای دل بیا که ما به پناذ خدا رویم
 ز آنچه آستین کوتاه و دست دراز کرد
 بارها مجلسی دوم فرمود :

از صدر اسلام تاکنون کشور ایران چنین آرامش و امنیت و آسایشی نداشت
 چه صوفیان صفوی در انتشار دیانت و نشر آثار مذهب جعفری جان فشانیها کردند
 و هرگز برای مذهب شیعه و پیروان شاه مردان علی مرتضی (ع) چنان دولت باشکوهی
 فراهم نگشت .

دریغاکه در اواخر دوره صفوی هوشمندان هنگامه طلب و ماجراجو بنای تردید
 و تشمت آراء عمومی را فراهم کردند و به بهانه قیل و قالهای فلسفی مردم را بجان هم
 انداختند شد آنچه که نباید بشود !
 در خبر است که :

کلمات و ظاهر آیه‌های شریفه قرآن ، برای دانشمندان است که در رشته‌های
 علوم و فنون ادبی کار میکنند و در بحث اعراب و بناء و الفاظ مطالعه می نمایند و
 بمعانی و بیان و بدیع آشنائی دارند .

اشارات قرآنی برای خاصان دانشمندان اسلامی است که با الفاظ و معانی و
 انواع حکمت و عرفان آشنا هستند تا بهتر با آغاز و انجام که اصول دیانت اسلامی است
 بهر مهند شوند .

اطایف قرآنی برای دانشمندان است که زحمت کشیده و ریاضت دیده‌اند و از
 مرتبه‌های صوری و عقلی گذشته و بمراتب حقایق شهودی رسیده‌اند ، این گروه

دانشمندان نفس کش و اربعین کشند که خردمندان کمتر زیر بار ریاضت میروند و تحصیل دانش را ریاضت های خود میدانند و بس .

حقایق قرآن برای پیامبران است چنانکه محمد (ص) فرمود : خداوند اشیاء را آن چنان که هست بمن نمودار ساز :

در معنی هست و در عیان نیست که دید

در دل پیدا و بر زبان نیست کسه دید

هستی جهان و در جهان نیست که دید

در هستی و نیستی چنان نیست که دید

(مولوی)

مراج معنوی عرشی را بدرجای رسانیدند که فرمود هر کس مرا بیند خدا را دیده است بختیار عالم کسانی هستند که پیروی کامل از حقیقت نمایند .

چون مرا دیدی خدا را دیده گرد کعبه صدق برگردیده

خدمت من طاعت و حمد خداست تانه پنداری که حق از من جداست

چشم نیکو باز کن در من نگرشانی و مطالبات را حق اندر بشر

(مثنوی)

بی تردید اینگونه مرآضان که بر طبق دریافت حقیقت ریاضت میکشند لطیفه -

های قرآنی را دریافت می نمایند آنان انگشت شمارند و مورد توجه صاحب دلان میباشند.

باز آمدم همچون خلیل از معجزات دمبدم

نمرودی و نمرود را معدوم و ناپیدا کنم

باز آمدم عیسی صفت گردن زخم دجال را

وز امر مهدی عالمی از يك نفس احیاء کنم

زاهد چو میلافی بروکنجی بمیر ودم مزن

ورنه سراسر پرده ها از روی کارت واکنم

(نورعلیشاه)

بنابراین آنانی که با لطایف قرآنی سروکار دارند مشاهدات قلبی خود را که در هنگام ریاضت های شرعی از لطیفه های قرآنی دریافت مینمایند و از نامحرمان پنهان دارند! چرا؟! برای آنکه آنکس که نجشیده است نمیداند و منکر میشود سخن شناس نه‌ای دلبراً سخن اینجاست.

مجلسی اول در پاسخ نامه ملاخلیل قزوینی نوشته است که: شیخ صفی‌الدین در مقالات خود در چند مورد به پیروان ذمبی خود تأکید کرده است که پیروی از شریعت احمدی نمایند و زبان را از مخالفت ظاهر اسلام درکشند آری:

عشق ورزی دگر و نفس پرستی دگر است

دانشمندانی که درکلمات قرآن و اشارات فرقانی دقت نظر دارند و بهمان دیده

اکتفا میکنند دیگر بسوی تهذیب نفس و آدمیت نمی‌شتابند!

برگذر ای‌دل غافل که جهان درگذر است

خود همه کار جهان رنج دل و درد سراسر است

خاکساری که بخواری بجهان ننگرد او

برسرش خاک که از خاک بسی خوارتر است

جمله زیر زمین گسر بحقیقت نگری

مشکن طره مشکین و لب چون شکر است

(عطارد)

گروهی از آنان که به تهذیب اخلاق و تکمیل نفس دل بستگی دارند دیگر

برنامه ریاضت بزرگان این راه و رسم را اجرا نمیکنند و بهمان نیروی دانش و اندیشه خود تکیه میکنند و راه ریاضت خویش را خودرو میروند .

خدا میداند و آنکس که رفته

پندارهای خود را برنامه کار ریاضتی خود پندارند و کوشش دارند که صفات زشت و پلیدی را مانند بخل و حسد از خود دور سازند و بگردار و پندار و گفتار نیک خود را بیارایند سالیان دراز در این راه میثابند و چون صفت های زشت خویش را تبدیل به صفات نیک میکنند آنگاه بخیال تبدیل صفت های دیگر نفسانی میافتند و توجه به ریاضت میکنند و سالیان درازی در این راه زحمت و رنج میکشند .

ناگهان می بینند همان صفت های پاک شده بصورت نخستین بازگشت در نفس خود مینماید و بی اختیار از وی بروز و ظهوراتی دارد ! چون برطبق دستور کامل و درست نرفته و کار نکرده اند اینجاست که سرگردان میشود که چه کند ، تن رنجور و فکر کوفته و از کار افتاده است .

چه نیکو فرموده است عطار نیشابوری :

راهرو بسیار دیدم در جهان لیک ^{شانی و مطالب نیک} رهرو ندیده ام راه دان !
این راه خود سری در تهذیب اخلاق خودرو رفته را چون درازا میشود بلکه بمدت سی سال ممکن است عمر آدمی را بگیرد و محروم از همه چیز شود .

خیام فرموده :

آنان که محیط فضل و آداب شدند

در جمع کمال شمع اصحاب شدند

ره زین شب تاریک نبردند برون

گفتند فسانه ای و در خواب شدند

بزرگان اهل معرفت اصطلاحی درین باره دارند : راه زلف معشوق که بسیار دور و دراز است ، در خدا پرستی و حق رسیدن و از اخلاقی بصغات یزدانی متصف گردیدن بدرازا میکشد از این جهت فرمودند :

تربیت اندر کوی تو چونموی تو ای محتشم

باریک و تاریک و سیه طولانی و پریچ و خم (۱)

۱- یادآوری : اسمعیل راین خبرنگار و نویسنده مشهور مطبوعات در یکی از تألیفات خود نوشته است هرچه جستجو کردیم از خاندان میرزا صالح شیرازی کسی را در تهران و شیراز نیافتیم ! غافل از آنکه شادروان میرزا صالح شیرازی مدیر روزنامه کاغذ اخبار در سال ۱۳۳۵ قمری از بنیادگزاران آزادی در ایران فرزند برومندش حاج میرزا محمد حسین عشقی شیخ مشایخ سلسله ذهبیه بود و یگانه فرزند وی شادروان دکتر محمد اقبال الحکماء عشقی بود که از بزرگان طریقت و از پزشکان نامی بشمار میرفت و فرزندانش عارف وارسته کامل آقای محمد حسین عشقی سرپرست آدامگاه اعلیحضرت رضا شاه کبیر و تیمسار عشقی پور است .

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

شورگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

درویشی

درویشی تهذیب اخلاق است و سلب صفات ذمیمه از خود و زهد از دنیا و انقطاع از ماسوا و قناعت بهر چه کمتر و استخفای از خلق و توکل بر خدا و ذخیره نکردن مال و ریاضت دائم و پوشیدن عیب مردم و ترك آزار خلائق و حفظ زبان از لغو بخصوص دروغ و غیبت و بهمت که بدترین قبیاح است و پاك داشتن دل از کینه و خصومت و اینها تکلیف است براهل طریقت والا چه طریقتی .

(صفی علیشاه)